



دانشگاه علامہ طباطبائی
دانشکدهٔ روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده

عنوان:

اثر بخشی آموزش تصویرسازی ارتباطی بر دلزدگی زناشویی زنان

استاد راهنما:

دکتر احمد اعتمادی

استاد مشاور:

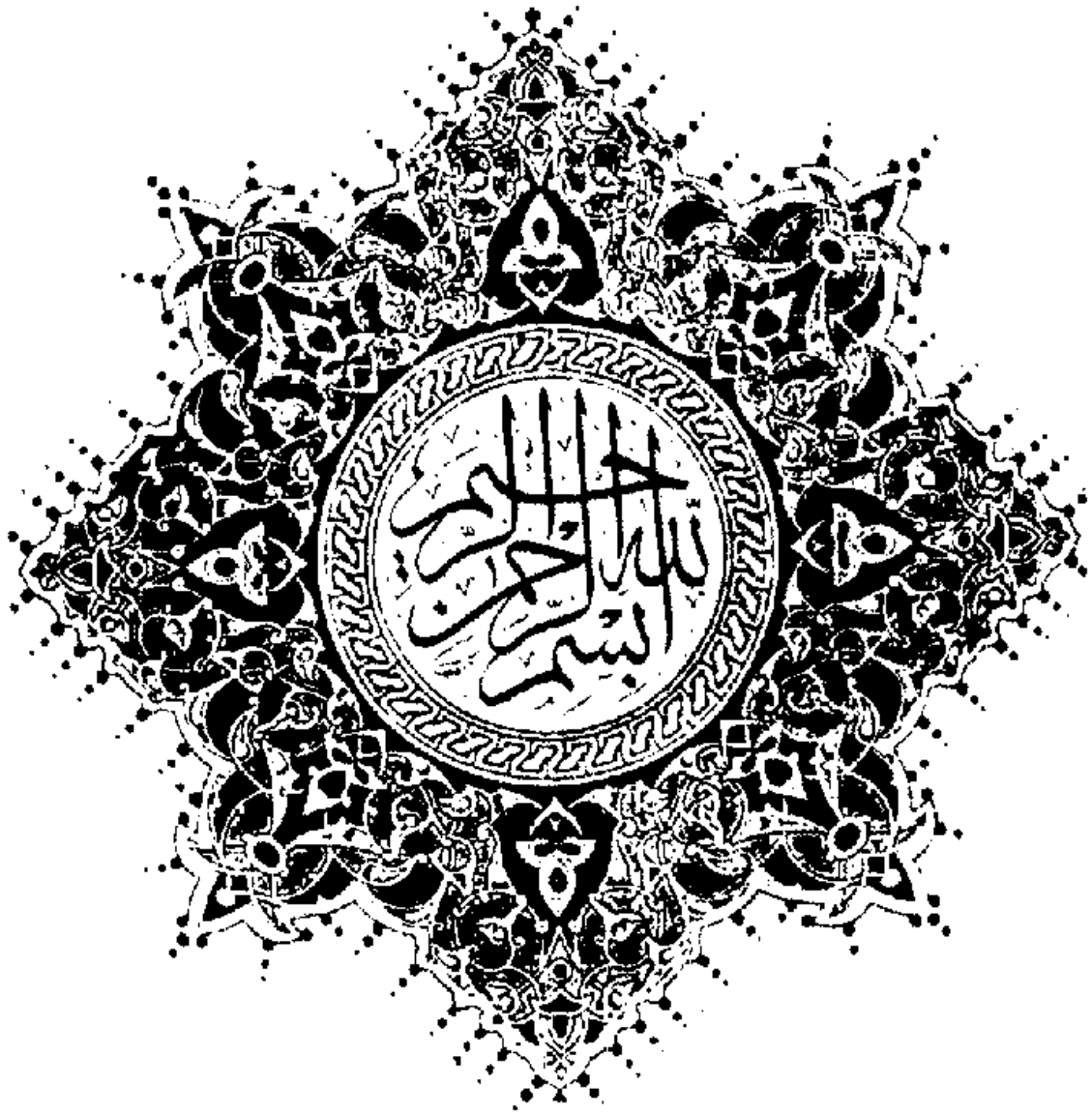
دکتر کیومرث فرحبخش

استاد داور:

دکتر خدیجه آرین

نگارش: نازنین شادابی

تابستان ۱۳۹۰



پاسکزاری

پروردگار مهربان را سپاس می گویم که در پناه اطاعت خاصه اش این توفیق را داشتم که در راه پر خیر و برکت علم و دانش قدمی هر چند ناچیز بردارم. بر خود لازم می دانم از استاد بزرگوار و فرزانه، استاد راهبهای محترم، جناب آقای دکتر اعتمادی و جناب آقای دکتر فرح بخش استاد مشاور ارجمند، و خانم دکتر آریین استاد داور محترم، تشکر نمایم که راهبانی و ارشادهای عالمانه شان در پربار شدن این پایان نامه روغنک راهم بود.

در خاتمه از تمامی کسانی که در این مسیر به نحوی مرایاری نمودند، به خصوص جناب آقای دکتر سلیمی، قدردانی می نمایم، زحمات بی شائبه آنها را ارج می نهم و برایشان آرزوی موفقیت می کنم.

تقدیم به

سرمایه زندگی ام؛ مادرم،

این اسطوره صبر که در پرتو وجودش استقامت را آموختم

و

تکیه گاهم، پدرم،

که آفتاب مهرش در آستانه قلمم، پیمان پارچاست

و تقدیم به روح تنه‌برادرم که یادش در دلم هرگز غروب نخواهد کرد.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی آموزش تصویرسازی ارتباطی بر دزدگی زناشوئی زنان متاهل انجام شد. ابتدا از بین خانه های سلامت شهرداری منطقه ۲۲ تهران، یک خانه سلامت به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس پیش آزمون انجام شد و از بین خانم هایی که بیشترین نمره را آزمون دزدگی زناشوئی (CBM) کسب نمودند، ۲۴ نفر انتخاب گردید، سپس آنها به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. گروه آزمایش به صورت هفتگی به مدت ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش قرار گرفتند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش آزمون دزدگی زناشوئی بوده است. برای تحلیل داده های پژوهش، از شاخص ها و روش های آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین نمره های پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش تفاوت معنادار وجود داشت ولی بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل تفاوت معناداری وجود نداشت. با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزش تصویرسازی ارتباطی بر کاهش دزدگی زناشوئی زنان به صورت کلی و هم در ۳ بعد دزدگی جسمانی، دزدگی عاطفی و دزدگی روانی موثر بوده است.

واژگان کلیدی: رویکرد تصویر سازی ارتباطی، دزدگی زناشوئی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	مقدمه
۵	بیان مسئله
۹	ضرورت و اهمیت تحقیق
۱۱	هدفهای پژوهش
۱۲	فرضیه های پژوهش
۱۲	تعریف اصطلاحات
۱۲	الف- تعاریف نظری
۱۴	ب- تعاریف عملیاتی

فصل دوم: ادبیات پژوهش

۱۶	مقدمه
۱۸	دلزدگی چیست؟
۲۱	تفاوت دلزدگی زناشوئی با رکود زناشوئی
۲۲	علائم دلزدگی زناشوئی
۲۳	عوامل تأثیر گذار بر دلزدگی
۲۶	راه های پیشگیری از دلزدگی زناشوئی
۲۹	رویکرد تصویر سازی ارتباطی
۳۱	ایماگو و مغز کهنه
۳۳	خاستگاه رویکرد تصویر سازی ارتباطی

۳۹ بررسی برخی از رویکردهای نظری (تأثیر دوران کودکی بر دوران فعلی زندگی)
۳۹ دیدگاه روان تحلیلی:
۳۹ دیدگاه روابط فردی:
۴۰ دیدگاه دیکس:
۴۲ دیدگاه فریمو:
۴۲ دیدگاه شارف و شارف
۴۳ دیدگاه اتو کرنبرگ:
۴۴ رویکرد وینی کات
۴۴ دیدگاه مارگارت ماehler
۴۵ خویشتن گمشده
۴۷ عاشق شدن
۴۸ جنگ قدرت
۵۱ معرفی کارگاه های تصویرسازی ارتباطی و فنون درمان
۵۴ فن گفتگو
۵۶ درمان مشکلات ارتباطی
۵۷ تحقیقات خارجی در مورد رویکرد تصویرسازی ارتباطی
۶۲ تحقیقات داخلی در مورد رویکرد تصویر سازی ارتباطی
۶۳ تحقیقات خارجی درباره دلزدگی
۶۶ تحقیقات داخلی درباره دلزدگی

فصل سوم: روش پژوهش

۶۹ مقدمه
----	-------------

۶۹ جامعه آماری
۶۹ نمونه آماری و روش نمونه گیری
۷۰ روش پژوهش
۷۰ ابزار پژوهش
۷۰ مقیاس دلزدگی زناشوئی
۷۱ اعتبار و روایی
۷۱ تعیین درجه دلزدگی
۷۲ تفسیر و تشخیص
۷۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷۵ توصیف ویژگی ها
۷۹ بررسی فرضیه ها
۸۱ آزمون فرضیه ها

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۶ مقدمه
۸۶ بررسی فرضیه های تحقیق
۹۲ محدودیتها
۹۲ پیشنهادهای پژوهشی
۹۲ پیشنهادهای کاربردی

۹۳	فهرست منابع
۹۳	منابع فارسی
۹۸	منابع خارجی
۱۰۳	پیوستها
۱۰۳	پیوست ۱: مقیاس دلزدگی زناشوئی
۱۰۵	پیوست ۲: شرح جلسات

فهرست جداول

۷۲	جدول ۱-۳: خلاصه ساختار جلسات آموزش تصویرسازی ارتباطی
۷۴	جدول ۱-۴: توزیع فراوانی گروههای مورد مطالعه
۷۵	جدول ۲-۴: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهشی در پیش آزمون
۷۵	جدول ۳-۴: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهشی در پس آزمون
۷۸	جدول ۴-۴: آزمون لوین جهت بررسی تساوی واریانس های دو گروه در متغیر وابسته
۷۸	جدول ۵-۴: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته
۸۰	جدول ۶-۴: تحلیل کوواریانس گروهها در مقیاس دلزدگی کلی
۸۱	جدول ۷-۴: تحلیل کوواریانس گروهها در مقیاس دلزدگی جسمی
۸۲	جدول ۸-۴: تحلیل کوواریانس گروهها در مقیاس دلزدگی عاطفی
۸۳	جدول ۹-۴: تحلیل کوواریانس گروهها در مقیاس دلزدگی روانی

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۴: توزیع فروانی گروههای مورد مطالعه..... ۷۴

نمودار ۲-۴: میانگین نمرات گروهها در پیش آزمون و پس آزمون دزدگی کلی..... ۷۶

نمودار ۳-۴: میانگین نمرات گروهها در پیش آزمون و پس آزمون دزدگی جسمی..... ۷۶

نمودار ۴-۴: میانگین نمرات گروهها در پیش آزمون و پس آزمون دزدگی عاطفی..... ۷۷

نمودار ۵-۴: میانگین نمرات گروهها در پیش آزمون و پس آزمون دزدگی روانی..... ۷۷

نمودار ۶-۴: جهت بررسی پیش فرض خطی بودن رابطه و همگنی شیب رگرسیون..... ۷۹

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

آنچه که زمینه ساز رفتار سازگارانه انسان در محیط زندگی خویش می باشد، کیفیت مطلوب و سالم عواملی است که ساخت شخصیت او را از سالهای اولیه کودکی در اولین محیط اجتماعی یعنی خانواده شکل داده است. نقش خانواده به عنوان اولین محیط آموزشی در ایجاد یا عدم ایجاد اختلالات رفتاری، پیدایش بیماریها و اختلالات روانی و چگونگی کنار آمدن با آنها انکارناپذیر است، چرا که محیط خانواده نخستین محیطی است که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی ریزی و به تدریج شکل می گیرد و در این رهگذر خانواده به عنوان کانون عشق و محبت، کانون آموزش و عاطفه، انتقال دهنده تمدن و فرهنگ ایفای نقش نموده و باعث تکوین شخصیت و تعادل روانی و اجتماعی فرد میگردد. باید در نظر داشت که بسیاری از افراد تمایل دارند که خانواده شان بر پایه عشق بنا شود (علوی، ۱۳۷۴).

عشق احساسی است شخصی که هر کس فقط خودش آن را می تواند درک کند، در واقع کمتر کسی یافت می شود که لااقل در کودکی، جوانی یا بزرگسالی عشق یا دست کم مقدمات آن را تجربه نکرده باشد (فروم^۱، ۱۹۵۶، ترجمه سلطانی، ۱۳۸۶). لذا عشق زمینه ساز بسیاری از ازدواج ها می باشد. ازدواج یکی از بنیادهای تقریبا جهان شمول بشری است و هیچ بنیانی اینچنین صمیمانه زندگی افراد بشر را تحت تاثیر قرار نداده است (هالفورد^۲، ۲۰۰۳، ترجمه تبریزی، کاردانی و جعفری، ۱۳۸۴).

زندگی زناشویی یکی از نهادهای بشری است که از دو نفر با استعدادها و توانائی های متفاوت و یا نیازها و علایق مختلف و در یک کلام با شخصیت های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ^۳ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ترجمه حسین شاهی برواتی، نقشبندی و ارجمند، ۱۳۸۵). از این رو در جریان ازدواج رفتارهای خاص بین مردان و زنان پدید می آید که آنها را نسبت به یکدیگر بیگانه می سازد. بحث ها، مشاجره ها، انتقاد های بیش از

1. Fromm.E.

2. Halford.W.K.

3. Goldenberg.I.

حد و طرد عاطفی از جمله این موارد است. از آنجائیکه اغلب زوجها انگیزه زیربنائی این رفتار را نمیدانند این رفتارها منجر به بیگانه شدن زوجها و کاهش صمیمیت بین آنها میشود (خمسه، ۱۳۸۷).

می توان دلزدگی زناشوئی را از جمله علل زیر بنائی اختلافات زناشوئی و کاهش صمیمیت دانست. حالتی که مدتی پس از ازدواج در زوجینی ایجاد می شود که فردی را برای زندگی انتخاب می کنند که هم به زندگی آنها معنا دهد و هم نیازهای برآورده نشده دوران کودکیشان را ارضا نماید. لیکن بعد از ازدواج چون همسر آنها قادر به بر آورده کردن تمام خواسته های آنها نیست، (به این علت که خود همسران نیز دارای جراحاتی از دوران کودکیشان می باشند)، آنها دچار افسردگی و احساس ناکامی و در انتها دلزدگی زناشوئی میشوند. دلزدگی حالاتی از افسردگی، ناامیدی، از دست دادن انگیزه برای ادامه زندگی، دردهای جسمانی، احساسات منفی نسبت به همسر را شامل میشود که این حالات میتواند منجر به طلاق عاطفی یا حتی طلاق رسمی شود (پاینز^۱، ۱۹۹۶، شاداب، ۱۳۸۱).

افزایش طلاق در دنیای کنونی و ناسازگاری های زناشوئی و نیز از هم گسیختگی کانون گرم بسیاری از خانواده ها و تاثیرات سوء این مشکلات بر افراد خانواده نیاز به رسیدگی و حل مشکل را مطرح ساخته است. لذا مشاوره میتواند راه حل مناسب تری را با هدف امکان حفظ ازدواج و در عین حال کوشش برای هر چه لذت بخش تر کردن آن فراهم سازد و کمک تخصصی می تواند زوجها را یاری کند تا کارکرد بهتری در زندگی زناشوئی داشته باشد (حمیدی، ۱۳۸۷).

به گفته فینچمن^۲ و برادبری^۳ (۱۹۸۷)، مشکلات زناشوئی رایج ترین مساله ای است که افراد را به جستجوی کمک روانشناختی وا می دارد. شواهد تحقیقی نشان داده است که بخش عمده ای از ازدواج ها هم به مشکلات و کژکاری فراوان مواجه هستند. بنابراین با توجه به نیاز فزاینده زوجها به دریافت کمک های حرفه ای، مشاوران و درمانگران خانواده هم نیازمند تحقیقات مستمر و پالایش مداخلات درمانی ضروری

¹. Pines, A. M.

². Finchman, F.

³. Brudbury, T.

هستند. همانطور که میس^۱ (۱۹۸۷) اشاره کرده است چنانچه قرار است ازدواج همچنان زیربنای جامعه انسانی ما باشد، لازم است که همواره پاسخ های جدیدی داشته باشیم. یکی از این پاسخهای جدید رویکرد تصویرسازی ارتباطی یا ایماگوتراپی (IRT)^۲ می باشد که در دهه ۱۹۸۰ توسط هندریکس^۳، معرفی گردید. فرضیه اصلی رویکرد تصویرسازی ارتباطی، این موضوع است که رابطه، جوهر و سرشت ما است، چرا که ما همیشه در رابطه با دیگران هستیم. در موضوع است که رابطه جوهر و سرشت ما است، چرا که ما همیشه در رابطه با دیگران هستیم. در رابطه متولد می شویم، در رابطه آسیب می پذیریم و در رابطه نیز درمان خواهیم یافت (بیلی^۴، ۱۹۹۸، به نقل از فلمک^۵ و پروتینسکی^۶، ۲۰۰۳).

رویکرد تصویر سازی ارتباطی به بررسی اثرات دوران کودکی بر روابط کنونی و راه حل هایی برای بهبود روابط از طریق فنونی ویژه می پردازد. تحقیقات صورت گرفته از اثربخشی و سودمندی آن در کمک به زوجین برای بهبود رابطه متعهدانه شان حمایت کرده اند از جمله پژوهش پینتر که نشان داد تصویر سازی ارتباطی باعث افزایش رضایت زناشویی بین زوجین می شود (پینتر^۷، ۱۹۹۵).

رویکرد تصویرسازی ارتباطی، زوجها را به سوی روابطی آگاهانه رهنمون می نماید. به این صورت که این رویکرد بر روابط دوران کودکی در ایجاد انتظارات نامعقول زوجها از یکدیگر که میتواند باعث دلزدگی زناشویی شود تاکید کرده و و با ارایه فنونی امکان ایجاد ارتباطی درست و مناسب را فراهم می آورد. (فلمک و پروتینسکی، ۲۰۰۳). لذا با بهره گیری از آموزشهای تصویرسازی ارتباطی می توان گامی به سوی آگاهی بیشتر و کاهش دلزدگی زناشویی برداشت.

¹. Mace, D.

². Imago relationship therapy

³. Hendrix, H.

⁴. Bailey,

⁵. Flemke, K. R.

⁶. Protinsky, H.

⁷. Pinter, D.

بیان مسئله

یکی از مشکلات اساسی و واقعی در اجتماع ما این است که بسیاری از افراد، روابط زناشویی را تقریباً به طور کامل بر عشق بنا می کنند و آن وقت تقاضاهای متعددی بر آن تحمیل می کنند که عشق به تنهایی از عهده انجام آن بر نمی آید (ستیر^۱، ۱۹۸۸ ترجمه بیرشک، ۱۳۷۰). علی رغم انتظار سطح بالائی که افراد از ازدواج دارند، تقریباً همه زوجینی که با عشق ازدواج می کنند در ابتدای ارتباطشان سطح بالائی از رضایت زناشویی را گزارش می کنند (مارکمن^۲ و هالوگ^۳، ۱۹۹۳).

رضایت از رابطه در طی زمان در میان خیلی از زوجین کاهش می یابد. معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی، طلاق است و طلاق در جوامع غربی حالت همه گیر پیدا کرده است (هالفورد، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). بررسی علل زیر بنائی طلاق و مشکلات زناشویی از جمله مسائل چالش برانگیز در بین محققان و مشاوران می باشد. یکی از عوامل مشکل ساز در روابط زن و شوهر، پدیده دلزدگی زناشویی می باشد. دلزدگی زناشویی با این واقعیت که عشق رویایی یکی از ارزش ترین پایه های ازدواج و سایر روابط حاکم بین زوجین شده است، ارتباط دارد. دانشمندانی چون الن والستر که در زمینه عشق رویائی تحقیق کرده اند، آن را «وضعیتی که شخص به طور کامل جذب دیگری می شود» و «انگیزش شدید فیزیولوژیک» توصیف می کنند (پاینز، ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱).

با آن که همه افراد تا حدی درباره ی شکست عشق رویائی اطلاعاتی دارند و عده ای خود این موضوع را تجربه کرده اند، که عشق رویائی پایه و اساس شکننده ای برای شالوده ریزی ارتباط بین دو نفر است، اما هنوز اغلب مردم خواهان عشق رویائی هستند (پاینز، ۲۰۰۵).

¹. Satir, V.

². Markman, H.

³. Hahlwege, K.

بدنبال عشق رویایی انتظاراتی در زوجین ایجاد می شود. انتظارات و باورهایی در این باره که معشوق تمام نیازهای برآورده نشده دوران کودکی آنها را برآورده خواهد کرد. اگر انتظاراتی که در پی این عشق رویایی می آید برآورده نشود، مشکل ساز خواهد بود.

این انتظارات برآورده نشده و تعاملات نامناسب می تواند زمینه ساز دلزدگی زناشوئی باشند. در واقع پایینز معتقد است که دلزدگی به علت تفاوت های عمده بین انتظارات و واقعیات است که باعث می شود ناکامیها روی هم انباشته شوند. وجود این مشکل و فشارهای روانی روزانه، به تدریج انرژی ذهنی و معنوی فرد را می کاهد (داشمن^۱، ۱۹۹۸).

بسیاری از تعاملات مشکل ساز بین افراد و فشارهای روانی حاصله و دلزدگی، در واقع باز آفرینی صحنه-هائی است که سالها قبل در ارتباط با شخصیت های اولیه زندگی رخ داده اند. تا زمانی که ما روابط آغازین زندگی مان را به پایان نرسانده ایم، هرگز در روابط جاری زندگی خود حضور کامل نخواهیم داشت. ما همواره تحت نفوذ کنش های متقابل اولیه پدر و مادرمان هستیم و صداهاى آنها را از طریق خودگفتگوئی درونی می شنویم و این صداها اغلب بر زندگی ما سایه افکنده اند (براد شاو^۲، ۱۹۹۴، ترجمه: شافعی مقدم، ایجادى، ۱۳۸۱). بنابراین هر فرد، شخصی را به عنوان معشوق برمیگزیند که او را قادر به بازآفرینی تجارب کودکیش سازد تا از طریق این معشوق نیازهای ارضا نشده کودکی فرد برآورده شود (پاینزو نانز^۳، ۲۰۰۳).

مردم با امیدهای فراوان و اشتیاق شدید و انتظارات بسیار وارد رابطه زناشوئی می شوند. اما، وقتی رابطه صمیمی زوجها، به جای درمان آسیب های دوران کودکی، آنها را تکرار می کند، مردم احساس شکست می کنند و نتیجه آن دلزدگی زناشوئی خواهد بود (پاینزو نانز، ۲۰۰۳).

برای یافتن راه درمان و غلبه کردن بر دلزدگی، درک علل انتخاب همسر و جذب شدن زن و مرد به یکدیگر نقشی حیاتی ایفاء می کند. از جمله علل کشش اولیه زوجین می تواند نیروهای ناخودآگاه

¹. Dushman.R.D.

². Brad shaw, J.

³. Nunes, R.

باشد. کلیشه ای قدیمی در زمینه روان درمانی وجود دارد که ما مترصد یافتن همسری هستیم تا از طریق او احساسات و چالشهای مربوط به دوران کودکی خود را دوباره تجربه کنیم. روابط ناخوشایند را به اندازه ای تکرار و تمرین می‌کنیم تا بر آن‌ها احاطه لازم را پیدا کنیم. این گونه احساس راحتی بیشتری می‌کنیم. احساس می‌کنیم در خانه خودمان هستیم و آنطور که می‌خواهیم و راغب هستیم زندگی می‌کنیم. حتی اگر رفتارها و روحیه‌های همسرانمان مشکل ساز باشد، به هر صورت این روحیه و رفتاری است که با آن عادت کرده ایم (نوروود^۱، ۲۰۰۸، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۹). با توجه به مشکلات و مسائل مختلفی که این شیوه انتخاب همسر در زندگی آینده زوجین رقم می‌زند و با توجه به پیشرفتهای گسترده علم روانشناسی، باید به دنبال یافتن راه حل در بین تئوریهای گوناگون بود.

یکی از رویکردهای مهم که در مورد همسرگزینی و رفع اختلالات زناشویی کاربرد دارد، رویکرد تصویر سازی ارتباطی می‌باشد. از آن جا که تصویر سازی ارتباطی رویکردی است که بر تاثیر افراد محبوب و مهم زندگی بر فرد می‌پردازد و این که چگونه سالهای اولیه دوران کودکی بر شخصیت فعلی فرد اثر می‌گذارد و چطور این ویژگیهای کسب شده در زندگی زناشویی او تاثیرگذار خواهد بود، می‌توان به نقطه اشتراکی بین این رویکرد و دلزدگی زناشویی دست یافت، چرا که ریشه دلزدگی زناشویی را نیز باید در دوران کودکی زوجین و ناخود آگاه و تصاویر ذهنی آنها جستجو نمود. از جمله تحقیقاتی که در زمینه دلزدگی صورت پذیرفته است، پژوهش پاینز (۲۰۰۱) درباره تاثیر ضمیر ناخود آگاه افراد در فرایند تصمیم گیری آنها و در نهایت دلزدگی آنها، می‌باشد. پاینز بیان می‌کند که گرچه راه‌های درمان دلزدگی متفاوت هستند اما همه آنها به ضمیر ناخود آگاه مرتبط می‌باشند (پاینز، ۲۰۰۱).

به طور کلی یکی از راه‌های اصلاح و تغییر این تصاویر ذهنی و نگرش‌های مربوط به آن، آموزش می‌باشد. یعنی با آگاهی دادن به افراد که اولاً نسبت به تصویر ذهنی خود شناخت پیدا کنند و ثانیاً آنها را بپذیرند،

¹Norwood, R.

قبول کنند که می توانند تغییراتی در رفتار و نگرش خود ایجاد نمایند (کولینگر^۱، ۱۹۹۰، دودریل^۲، ۱۹۹۲، به نقل از دهقانی، ۱۳۸۳).

لازم است زوجین یاد بگیرند که تعارضات خود را فرصتی برای صمیمیت عمیق تر و تماس با یکدیگر بدانند. این تغییرات کوچک خوشبختی زوجین را به شدت تحت تاثیر قرار میدهد و زوجین برای هم منبع لذت می شوند تا منبع ناراحتی. ابزار مهمی که برای بهبودی روابط زوجین در رویکرد تصویرسازی ارتباطی استفاده می شود، فن گفتگو است که برای کمک به هر یک از زوجین بکار می رود تا تغییرات بهتری در رفتار خود ایجاد کنند (لیپتروت، ۲۰۰۵).

قدرت نظریه تصویر سازی ارتباطی در این است که نخست به زوجین در مورد چگونگی و چرایی بروز تعارضات آموزش می دهد و سپس ابزارها و تکنیکهائی را برای حل و فصل این تعارضات در اختیار آنها قرار می دهد.

زوجین در کارگاههای ایماگو تراپی می آموزند که تفاوتهايشان را پذیرفته و گرامی بدانند، نه اینکه بر سر آنها با هم به نزاع پردازند (اسپرانگ^۳، ۲۰۰۴).

در حقیقت، بر طبق رویکرد تصویرسازی ارتباطی، افراد وقتی عاشق می شوند، که فرد مقابل را مشابه با والدین خود ببینند. چون به دنبال یافتن همسری هستند که بتواند نیازهای دوران کودکی آنها را که توسط والدینشان برآورده نشده است را ارضاء نماید، اما در واقع همسر آنها نمی تواند تمام نیازهای آنها را برآورده نماید که نتیجه آن دلزدگی زناشویی می باشد. می توان از طریق اصلاح تصاویر ذهنی افراد از همسر ایده آل و تعدیل انتظارات غیر واقعی از همسر ایده آل، گامی به سمت کاهش دلزدگی زناشویی برداشت و هم چنین از طریق آموزش فنون تصویر سازی ارتباطی به بهبود رابطه زناشویی کمک نمود.

¹.Kolinger

².Dudreil

³.Sprang, K.A.

در پژوهش حاضر تلاش می شود به این سوال پاسخ داده شود که آیا آموزش تصویرسازی ارتباطی بر دلدگی زناشوئی زنان موثر است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به این که اساسی ترین نهاد اجتماعی، خانواده است و ایجاد و شکل گیری شخصیتی سالم در افراد، تنها درون خانواده‌ای گرم و صمیمی میسر می شود، خانواده باید فراهم کننده محیطی امن، یکپارچه و به دور از تنش باشد. سازمان بهداشت جهانی^۱ خانواده را به عنوان عامل اولیه اجتماعی در افزایش سلامت و بهزیستی اعضاء معرفی کرده است (کمپل^۲، ۲۰۰۳)، لذا وجود افسردگی و پریشانی در هر یک از افراد خانواده باعث ایجاد ناهماهنگی در بین اعضا و در سیستم کلی خانواده می شود که خود منجر به بروز مشکلات اجتماعی خواهد شد. لذا وجود سلامت روان در هر یک از اعضای خانواده بسیار با اهمیت می نماید، به خصوص بهداشت روانی زن و شوهر که بر سایر اعضای خانواده بسیار تاثیرگذار است، باید مورد توجه متخصصان قرار گیرد. زیرا وجود هر گونه ناراحتی در زوجین مانع صمیمیت بین آنها می شود و زوج ها مشکلات شدید و فراگیری را در هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی یکدیگر تجربه می کنند. در نهایت وجود این گونه مشکلات منجر به طلاق خواهد شد که مشکلات فراوانی را برای فرزندان خانواده نیز ایجاد می کند. در حال حاضر بیش از ۹۰٪ مردم حداقل یکبار در طول عمر خود ازدواج می کنند. اما، بیش از ۵۰ درصد آنها حداکثر پس از ۳ سال طلاق می گیرند (السون^۳، دفرین^۴ و السون^۵، ۱۹۹۹، ترجمه بحیرایی و فتحی، ۱۳۸۸). در کشور ما نیز بر اساس آمار های موجود، میزان طلاق در سالهای اخیر رو به افزایش بوده و میزان آن در آمارهای مختلف بین ۱۱ تا ۱۶ درصد در نوسان بوده است

¹.World Health Organization

².Campell,T.L.

³.Olson,D.

⁴.Defrain,J.

⁵.Olson,A.

(سالنامه آماری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰). بنابراین پیشگیری از طلاق و رفع مشکلات زوجین باید سرلوحه کار درمانگران قرار گیرد.

از جمله عوامل ایجاد کننده مشکلات زناشوئی، دلزدگی زناشوئی است. دلزدگی زناشوئی در زوج هایی ایجاد می شود که یکدیگر را با عشق انتخاب کرده و زندگی عاشقانه ای را با هم شروع کرده اند، اما بعد از مدتی مشاهده می نمایند که آن عشق و صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می بازد و ارتباط شخصی شان بایکدیگر یا سیر نزولی به خود می گیرد یا در سطحی پایین تر از سطح انتظاراتشان راکد می ماند (گلاسر^۱، ۲۰۰۰، ترجمه، خوش نیت نیکووبرازنده، ۱۳۸۶). دلزدگی زناشوئی بر همه جنبه های زندگی افراد اثر تخریب کننده دارد، پس بررسی چرایی و چگونگی ایجاد دلزدگی اهمیت فراوانی پیدا می نماید. پاسخ به این مسایل را می توان در علل جذب زوجین به هم یافت. در واقع نیروهای ناخودآگاه نقش مهمی در انتخاب همسر و نیز موضوعاتی که بعدها به تنش های مسبب دلزدگی در روابط تبدیل می شوند، ایفا می کنند. ما تصویر شخصی را که مفهوم عشق را با ارضا کردن (یا نکردن) نیازهای عاطفی و جسمی در اولین روزهای زندگی به ما آموخته است، ملکه ذهنمان می کنیم.

در بزرگسالی ما به دنبال معشوقی می گردیم که با این تصویر درونی مطابقت داشته باشد. اما همیشه همان چیزی که در ابتدا عامل جذابیت بوده است (این پندار که می تواند به او کمک کند تا بر مسائل حل نشده دوران کودکی غلبه کند)، به تدریج سبب ایجاد دلزدگی می شود، (هنگامی که شخص حس می کند طرف مقابل نمی خواهد یا نمی تواند به او کمک کند) (پاینز ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱).

از آنجا که یکی از علل تعارضات روابط زناشوئی و دلزدگی زناشوئی، تصاویر ذهنی ناخودآگاهی است که در ذهن زوجین نقش بسته است، رها ساختن زوجین از قید این محدودیت های ناخودآگاه یکی از اهداف

¹.Glasser,W.